

اقتصاد مردمی،
در برابر، مردم
رابطه عنوان
سهام داران
اصلی بنگاه‌ها
و فعالیت‌های
اقتصادی در
نظر می‌گیرد. در
این‌گونه اقتصاد،
مردم و نه بخش
خصوصی،

به عنوان کارگزار
اقتصاد در
کنار دولت قرار
می‌گیرند؛ بنابراین،
مردمی‌سازی
دولت در عرصه
اقتصاد، مستلزم
مردمی‌سازی
اقتصاد است.

طرح این مفهوم در ادبیات سیاسی جدید، زمینه‌توجه به نقش مردم در حکمرانی را نیز فراهم ساخته است. به دیگر سخن، از آنجاکه در مفهوم حکمرانی، سیاست به مثابه فعالیت ناظر به اقتدار عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد، این فعالیت می‌تواند از سوی مردم نیز صورت گیرد.

در صورتی که مردم نقش اصلی در چنین فعالیتی را برعهده گیرند، دیگر حکمرانی صرفاً ناظر به فعالیت حکومت و حکمرانان نخواهد شد و در کنار آنان، مردم نیز صاحب نقش دانسته می‌شوند. توجه به نقش مردم، زمینه‌توجه «حکمرانی مردمی» را فراهم ساخته، می‌توان چرخش دوم را از این زاویه، چرخش از حکمرانی غیرمردمی به حکمرانی مردمی دانست. با توجه به اهمیت اقتدار عمومی چرخش از حکمرانی غیرمردمی به حکمرانی مردمی بی‌تردید موجبات ارتقای اقتدار عمومی را فراهم خواهد ساخت. به دیگر سخن، با مشارکت مردم در حکمرانی، سرمایه اجتماعی مورد نیاز حکمرانی در جامعه تقویت گردیده، در نتیجه کارآمدی حکومت نیز افزایش می‌یابد.

مردمی‌سازی دولت در ایران

از نگاه نگارنده این سطور، چرخش «از حکومت به حکمرانی» و «از حکمرانی غیرمردمی به حکمرانی مردمی»، زمینه نظری و مفهومی بسیار مناسبی را برای طرح دولت مردمی یا مردمی‌سازی دولت در ایران فراهم ساخته است. این چرخش‌ها از سویی بیانگر اهمیت توجه به حکمرانی و در نتیجه فعالیت ناظر به اقتدار عمومی بوده، از سوی دیگر ضرورت دخالت و مشارکت مردم را در امر حکمرانی نشان می‌دهد؛ اگرچه مشارکت مردم در روی کار آوردن کارگزاران دولت نقش بسیار مهمی در مردمی‌سازی دولت دارد، چنین می‌نماید که مشارکت آنان در فعالیت‌ها و عملکردها نقش مؤثرتری در این زمینه خواهد داشت. مردمی‌سازی دولت به معنای واقعی، آن‌گاه تحقق می‌یابد که عرصه‌های گوناگون فعالیت عمومی، «مردمی» گردد. این امر به لحاظ نظری مستلزم طرح مفاهیم بسیار مهمی است که در ادامه به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

سیاست مردمی

«سیاست مردمی» نخستین مفهوم در الگوسازی مفهومی دولت مردمی است. سیاست عرصه امر عمومی است و آن‌جا آغاز می‌شود که امر خصوصی پایان می‌یابد. سیاست به عنوان امر واقع عرصه زیست عمومی است و چنان‌چه مردم در این عرصه مشارکت نمایند، سیاست مردمی تحقق می‌یابد.

این‌گونه سیاست در صورتی تحقق می‌یابد که دست‌کم مردم در سه زمینه مشارکت فعال داشته باشند: سیاست مردمی، گونه‌ای از سیاست است که مردم در تصمیم‌گیری‌های اساسی و تحقق فعالیت‌های ناظر به اقتدار عمومی مشارکت داشته، بر نحوه شکل‌گیری این فعالیت‌ها نظارت کارآمد نموده، در صورت نیاز با دخالت خود بتوانند نارسایی‌ها در فعالیت‌های عمومی را از طریق تغییر در